

یادداشت/ زنجیره‌های ارزش جهانی گندم در خاورمیانه به قلم دکتر حسین شیرزاد



دکتر حسین شیرزاد، دکترای توسعه کشاورزی

تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش جهانی (GVC) در خصوص محصولی مانند گندم ابزارهای مفهومی و روش شناختی لازم را برای ما کارشناسان کشاورزی ایرانی برای درک اقتصادهای جهانی، منطقه ای و محلی فراهم می کند.

معمولا برای تجزیه و تحلیل محصولی (GVC) از یک رویکرد از بالا به پایین (قیاسی) برای مطالعه چگونگی اداره شرکت های پیشرو جهانی بر تجارت استفاده می کند. رویکردی از پایین به بالا که بر چگونگی شکل دهی موسسات محلی، مسیرهای توسعه در سطح محلی، ملی و منطقه ای تمرکز دارد.

این یادداشت از چارچوب GVC برای درک اینکه ساختار نهاده- ستانده صنعت جهانی گندم (سازمان صنعتی گندم) چگونه است؟ چگونه GVC گندم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) عمل می کند پویایی روندهای کلیدی در زنجیره ارزش گندم و چالش ها، شیوه ها و سیاست های کلیدی زنجیره ارزش برای حفظ عرضه گندم پایدار و مقرون به صرفه در چیست؟ راه گشا میباشد.

بر اساس آخرین آمارهای سال ۲۰۲۲ پنج شرکت بزرگ بر تجارت جهانی گندم تسلط دارند. همگی این پنج شرکت مستقر در نیمکره شمالی جهان میباشند و حدود ۹۰ درصد تجارت بین‌المللی گندم را کنترل می‌کنند. این شرکت‌ها می‌توانند از قدرت مالی خود برای واسطه‌گری معاملاتی و کسب آربیتراژ بیشتر استفاده کنند که امکان کسب سودهای عظیم را فراهم می‌کند، حتی در زمان کمبود جهانی غذا مانند بحران جهانی غذا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نیز این ۵ شرکت بالاترین نرخ سودها را کسب نموده بودند. اما کشورهای خاورمیانه از رویکردهای مختلفی برای دستیابی به امنیت غذایی استفاده می‌کنند. این کشورهای از چندین رویکرد برای مقابله با چالش‌های امنیت غذایی استفاده می‌کنند. امارات متحده عربی، کویت، قطر و عربستان سعودی از منابع نفتی برای تامین مواد غذایی از طریق تجارت و سرمایه گذاری در کشت فرا سرزمینی سرمایه گذاری می‌کنند. برخی دیگر مانند مصر، سوریه و ایران به دنبال افزایش تولید داخلی برای کاهش وابستگی به واردات و حفظ ذخایر استراتژیک هستند. مسائل متعددی بر روی (GVC) در خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. تغییرات شدید اقلیمی، ساختار متزلزل سیاست‌های تولید، مشکلات زیست محیطی، به ویژه کمبود آب، تولید داخلی گندم را محدود می‌کند. بنابراین در خاورمیانه نقش دولت‌ها در کنترل رفتار قیمتی و پویایی زنجیره ارزش گندم در طول زنجیره و تنظیم قیمت نان بالاست. از این روی، کشورها مداوما ظرفیت ذخیره سازی خود را ارتقا می‌دهند تا تغییرات قیمتی ناشی از نقصان‌های عرضه را کاهش دهند. یک نکته دیگر؛ مداخله نهادی یا حضور "میراث نهادی قوی" در این کشورهاست که شامل انحصارات دولتی، یارانه‌ها و کنترل قیمت‌ها می‌شود. اصولاً تغییر سیستم یارانه‌ها بسیار دشوار است و تلاش برای انجام این کار معمولاً با ناآرامی‌های مدنی روبرو می‌شود. اما نکته مهم این است که کشورهای خاورمیانه پس از بحران کووید در حال تنوع بخشیدن به پایگاه عرضه خود هستند. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و مصر (به میزان کمتر) مداوما در آسیای میانه و کارائیب در کشت فراسرزمینی سرمایه گذاری می‌کنند. با این حال، این پروژه‌ها در مراحل اولیه اجرا هستند و البته نگرانی‌های زیادی در مورد این پروژه‌ها بویژه در باب مهارت کم کشاورزی و زیرساخت‌های توسعه نیافته و قواعد حقوقی متزلزل در امور ارضی کشورهای میزبان وجود دارد. گندم بطور متوسط حدود ۳۷ درصد از کالری مصرفی مردم در منطقه خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. این منطقه در مجموع واردکننده خالص ۵۸ میلیون تن غلات است که آن را به بزرگترین منطقه واردکننده خالص گندم در جهان تبدیل می‌کند. از سوی دیگر گندم یک کالای استراتژیک در منطقه است که اکثر دولت‌ها از

ابزارهای حمایتی مستقیم برای محافظت از تولید محلی استفاده می کنند. اقتصاد سیاسی و پویایی اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نقش مهمی در نحوه نگاه مردم به وابستگی فزاینده به واردات گندم و دسترسی به نان دارد. چارچوب GVC وابستگی متقابل بین تجارت جهانی و دسترسی محلی به گندم و محصولات گندم را روشن می کند. در انجام این کار، چارچوب GVC می تواند به درک جدیدی از امنیت غذایی کمک کند که پویایی پیچیده تجارت جهانی، ژئوپلیتیک، بازارها و ساختارهای مالی و نهادها و حتی مافیای محلی را در بر می گیرد. صنعت جهانی گندم یک کالای مهم هم از نظر امنیت غذایی و هم در توسعه سایر کالاها از جمله صنعت خوراک دام و محصولات غذایی با ارزش بالا است. اما علیرغم اهمیت آن، کمتر از ۲۵ درصد از تولید سالانه گندم در خارج از مرزها مبادله و صادر می شود و بقیه آن در داخل کشورها استفاده می شود با این حال، گندم وارداتی برای چندین منطقه، مانند MENA، که برای تامین تقاضای منطقه به واردات وابسته است، بسیار حیاتی است. تجارت گندم علیرغم اهمیت مداوم آن در خاورمیانه و نوسانات قیمت فزاینده با کاهش در تجارت فله روبرو است. پنج شرکت چند ملیتی بازرگانی غلات در فناوری ها و ابزارهای مالی و محیط بلاک چین و فین تک ها بسیار متنوع هستند. از ابتدای سال ۲۰۰۰ جهانی شدن سیستم های کشاورزی، سبب تغییر زنجیره ارزش چندین کالای غذایی از جمله گندم شده است و تقاضا برای غلات در میان چالش هایی مانند بنیادگرایی سلفی، تنش آبی و نوسانات قیمت به افزایش خود ادامه داده و خواهد داد. زنجیره ارزش جهانی گندم پیچیده است و به تعداد انگشت شماری از صادرکنندگان و موسسات تجاری بین المللی وابسته است. شرکت های پیشرو بین المللی در زنجیره خریداران اولیه هستند و تولید را به مناطق مصرف مرتبط می کنند. نقش آنها پیامدهایی جدی برای امنیت غذایی و تجارت غلات دارد. حاکمیت زنجیره ارزش با شرکت های پیشرو در تجارت و فرآوری غلات است که دارای قدرت در زنجیره هستند. عملیات آنها پیچیده است، معاملات با کیفیت، قیمت و سایر اطلاعات مدون شده است، و آنها ظرفیت پیش بینی مدیریت گندم و سایر زنجیره های تامین غلات را دارند آنها اولین خریداران بزرگ در زنجیره هستند و در بهبود مزیت نسبی خود از طریق یکپارچه سازی عمودی، هماهنگی و مالکیت دارایی سرمایه گذاری می کنند. این معامله گران اطلاعات کیفیت بازار غلات و در دسترس بودن غلات را جمع آوری و استفاده می کنند که نه تولیدکنندگان و نه سایر خریداران قادر به دسترسی و پردازش آن نیستند. موسسات بین المللی، از جمله "Cargill, Bunge, Archer Daniels Midland و COFCO" ظرفیت و استعداد پیشرفته ای برای

تجزیه و تحلیل داده ها و استفاده از اطلاعات برای مدیریت موقعیت ها و ریسک های بازار فیزیکی و مالی جهانی خود دارند. ذرت، برنج و گندم حیاتی ترین محصولات برای امنیت غذایی هستند که حدود ۴۳ درصد از عرضه جهانی کالری را تشکیل می دهند سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تخمین می زند که تقاضا برای این مواد اولیه تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۳٫۳ میلیارد تن خواهد رسید. زنجیره های ارزش جهانی به سیر متسلسلی از فعالیتهای با ارزش افزوده بالا اشاره دارد که شامل ایجاد، تحویل و استفاده نهایی از یک محصول یا خدمات می شود. حاکمیت یکی از محورهای تجزیه و تحلیل GVC است. حکمرانی به «روابط اقتدار و قدرتی اشاره دارد که چگونگی تخصیص منابع مالی، مادی و انسانی و جریان های مالی-پولی-کالا و اطلاعات را در یک زنجیره تعیین می کند» که چگونه حکمروایی شرکتی می تواند به طور فعال توزیع سود و ریسک را در یک صنعت شکل دهد و بازیگرانی را که چنین قدرتی را اعمال می کنند، را شناسایی نماید. سه متغیری که تعیین می کنند زنجیره های ارزش جهانی چگونه اداره می شوند و تغییر می کنند، عبارتند از: (الف) پیچیدگی معاملات، (ب) توانایی کدگذاری معاملات، و (ج) قابلیت های پایه تامین. شرکتها، این موضوع را با ایجاد پنج نوع مدل حکمرانی GVC اعم از (سلسله مراتبی، وابستگی، رابطه ای، مدولار و بازاری) از سطوح بالا تا پایین هماهنگی به همراه عدم تقارن قدرت توضیح می دهند. گندم از گروه غلات است که در بیش از ۲۲۱ میلیون هکتار کشت می شود و بیش از هر محصول دیگری اراضی کشاورزی زمین را اشغال می کند. همچنین گندم با ۱۷۲ میلیون تن در سال های قبل از کووید بیشترین ارزش مبادله را داشت و همچنان دارد. گندم غذای اصلی برای اکثر جمعیت جهان، بزرگترین واردات مواد غذایی از نظر تناژ در کشورهای در حال توسعه و بخش عمده ای از کمک های غذایی اضطراری را نشان می دهد. از سوی دیگر مهمترین منبع کربوهیدرات و منبع اصلی پروتئین گیاهی است غلات همچنین منبعی محبوب برای خوراک دام جهت تولید دام و لبنیات است. تجارت، رشد جمعیت، آب و هوا، و یارانه های دولتی بر چگونگی رشد تولید و تجارت گندم تأثیر می گذارد. گندم به طور کلی یک محصول تمایز نیافته است. با این حال، آگاهی و ترجیحات مصرف کننده مانند غلات ارگانیک و غیر ژنتیکی اصلاح شده فرصت هایی برای تمایز ایجاد می کند. گندم معمولاً به عنوان گندم زمستانی یا بهاره که نشان دهنده گونه های فصلی است طبقه بندی می شود. استانداردهای کیفی گندم شامل سطوح پروتئین، محتوای گلوتن و کیفیت آسیابانی، واحد دانه و قدرت آرد است. مقدار هسته های آسیب دیده، مواد خارجی و هسته های چروکیده و شکسته شده در سطوح بسیار پایین قابل قبول

است. اما اکثر کشورها استانداردهای عمومی بین المللی آلاینده های مضر و گندم آلوده را نمی پذیرند ویژگی هایی مانند رطوبت رنگ و مقادیر پروتئین بر ارزش ناوایی، آسیاب گندم، و قیمت تأثیر می گذارد در استانداردهای خاورمیانه ای یک تن گندم تقریباً ۲۲۲۰ قرص نان تولید می کند. در جغرافیای زنجیره ارزش جهانی گندم؛ با وجود افزایش تولید گندم، بطور متوسط تنها حدود ۲۳ درصد از کل تولید گندم معامله می شود. در فوریه ۲۰۱۷، تولید جهانی گندم به بیش از ۷۵۸ میلیون تن در مقایسه با ۷۳۶ میلیون تن در زمان مشابه سال قبل رسید. البته در سطح جهانی، دوره هایی از نوسان قیمت وجود دارد. قیمت ها می توانند در کوتاه مدت به دلیل عوامل متعددی از جمله افزایش تقاضا برای سوخت های زیستی افزایش یابد یا افزایش قیمت نفت که بر هزینه حمل و نقل و تولید در صنعت گندم تأثیر می گذارد تغییر کند. یکی از موثرترین فاکتورها، نرخ برابری کاهش ارزش دلار آمریکا نسبت به سایر ارزهاست. از سال ۲۰۱۲ مصرف رو به رشد در خاورمیانه، ترکیه، روسیه، هند، برزیل، MENA و اندونزی. افزایش تقاضا برای خوراک دام گندم؛ را در پی داشت. تقریباً ده تولید کننده برتر گندم حدود ۷۰ درصد تولید جهانی را تامین می کنند. چین و هند با حجم تولید بیش از ۱۳۰ میلیون و ۹۸ میلیون در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ در میان ده کشور برتر قرار دارند. با این حال، آنها همچنین از بزرگترین مصرف کنندگان گندم نیز هستند. ایالات متحده آمریکا، روسیه، اوکراین، فرانسه، کانادا و استرالیا بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان گندم هستند. جغرافیای حجم صادرات گندم در اواسط دهه ۲۰۰۰ از آمریکای شمالی و اروپا به منطقه دریای سیاه تغییر کرد. روسیه در حال حاضر با حدود ۸۳ میلیون تن از سال ۲۰۱۷-۲۰۱۸ بزرگترین تولیدکننده گندم است و با صادرات بیش از ۳۳ میلیون تن از سال های ۲۰۲۰، از کانادا و ایالات متحده پیشی گرفته است. حدود ۸۰ درصد از صادرات گندم روسیه به خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) انجام می شود. اما صادرات غلات روسیه به دلیل شرایط آب و هوایی، پویایی های ژئوپلیتیکی و موانع صادرات مزمین مانند ممنوعیت های تجاری و تعرفه های بالاتر بسیار پرنوسان است. پس از سالها واردکننده بودن، روسیه و اوکراین از اواسط دهه ۲۰۰۰ به عنوان صادرکنندگان مهم غلات ظاهر شدند و نزدیکی آنها به بزرگترین واردکنندگان در خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA)، اروپا، و سایر مناطق به آنها مزیت لجستیکی در مقایسه با صادرکنندگان غلات آمریکای شمالی می دهد. اخیراً، آنها شروع به صادرات به مقاصد صادراتی سنتی آمریکای شمالی و استرالیا مانند آسیا و آمریکای جنوبی کردند. تا قبل از جنگ اوکراین، شرکت های تجاری چندملیتی

مانند "گلنکور و کارگیل" در حال سرمایه‌گذاری در صادرات غلات روسیه و اوکراین برای دستیابی به بازارهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر مناطقی بودند که می‌خواستند غلات ارزان‌تری خریداری کنند. کشورهای منا و آسیا بزرگترین واردکننده و مصرف‌کننده گندم هستند. کشورهای منا به شدت به واردات گندم وابسته هستند که بیش از ۳۵ درصد کالری دریافتی را تشکیل می‌دهد. حدود ۳۰ درصد از صادرات جهانی گندم به خاورمیانه و شمال آفریقا می‌رود تا تقریباً ۵۸ درصد از نیازهای مصرفی آن را پوشش دهد. مصر بزرگترین واردکننده گندم در سطح جهان است، تقاضای آن می‌تواند بر قیمت‌های جهانی تأثیر بگذارد و دسترسی آن به گندم ارزان، پایه ثبات ملی و اجتماعی آن است. افزایش قیمت جهانی گندم و اختلالات زنجیره تامین بر ناامنی غذایی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی کمک کند. پنج بخش اصلی در زنجیره ارزش جهانی گندم (GVC) وجود دارد که عبارتند از: نهاده‌ها، تولید، تجارت، فرآوری و بازاریابی. نقشه GVC گندم با شبکه‌ای از بازیگران بین‌المللی پیوند دارد که ورودی‌هایی با ارزش بالا، لجستیک و مدیریت فعالیتهای زنجیره تامین مختلف را در حین انتقال دانه از تولیدکنندگان به بازارهای نهایی، ارائه می‌کنند. غلات ورودی به آرد، خوراک دام، غذا، تولید صنعتی و صنایع سوخت زیستی تبدیل می‌شود. این زنجیره نسبت به نهاده‌ها و هزینه‌های لجستیک، حجم عرضه و ارزش‌گذاری ارز، نرخ‌های تسعیر، حساس به قیمت است. دولت‌ها بر بخش‌هایی از زنجیره از طریق ابزارهایی مانند استانداردهای غلات، یارانه‌ها، بازاریابی و مقررات تجارت تأثیر می‌گذارند. نوسانات اقتصادی، خشکسالی، و ابتکارات خودکفایی باعث ایجاد محدودیت‌های تجاری و سیاست‌های حمایتی می‌شود که متخصصین آن را تهدیدی برای بازار می‌دانند. کشورها با خرید نهاده‌هایی مانند بذر، زمین و سایر نهاده‌ها، GVC گندم را در بخش تولید فعال می‌کنند. ارتقاء در زنجیره به عوامل بسیاری از جمله تحقیق و توسعه، لجستیک پیشرفته و سرمایه‌گذاری در بخش‌های پردازش زنجیره بستگی دارد. این صنعت به طور فزاینده‌ای پیچیده و به یارانه‌ها و شرایط آب و هوایی وابسته است، اغلب نوسان دارد و بسیار متمرکز است. بخش تجاری این زنجیره، بزرگترین واحد بازاری زنجیره است و صادرات از کشورهای مانند ایالات متحده بیش از ۵۴ درصد از درآمد را تشکیل می‌دهد. نهاده‌های گندم شامل تحقیق و توسعه، آب، بذر، ماشین‌آلات، کودها و مواد شیمیایی و سموم کشاورزی است. تولیدکنندگان معمولاً بازیگران محلی هستند که در ترویج انواع بزرگندم و فروش بذر تخصص دارند. آب یک نهاده حیاتی است که مستقیماً بر عملکرد گندم و

کیفیت محصول تأثیر می‌گذارد. چالش‌های آب و زمین‌های زراعی از جمله محرک‌های اولیه‌ای هستند که تولید را محدود کرده و کشورهای خاورمیانه را مجبور به واردات می‌کند. تولید گندم یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان آب پس از دام و برنج است. ریسک آب از جمله استرس‌های رطوبتی، آلودگی و قیمت‌ها برای بازیگران زنجیره ارزش گندم از جمله تولیدکنندگان، تجار کالا و شرکت‌های مواد غذایی و آشامیدنی نگران‌کننده است. در کشورهای خاورمیانه بذرهای گواهی شده گران هستند و به طور مداوم مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. مؤسسات دولتی بازیگران اصلی تحقیق و توسعه هستند و متأسفانه بودجه آنها کم و توسعه نیافته است. از سوی دیگر، در کشورهای صادرکننده توسعه یافته مانند ایالات متحده، شرکت‌های بین‌المللی بزرگ بازیگران اصلی در تحقیق و توسعه، بذر، کود، مواد شیمیایی کشاورزی و ماشین‌آلات هستند. تمرکز بازار در کودها، مواد شیمیایی کشاورزی و ماشین‌آلات؛ هزینه بالای ورودی‌ها؛ نرخ تبدیل؛ و محدودیت در منابع طبیعی (زمین و آب) ظرفیت تولید داخلی بسیاری از کشورهای خاورمیانه را محدود می‌کند. برخلاف مزارع بزرگ در کشورهای عمده صادرکننده، مانند ایالات متحده و روسیه، تولید گندم در خاورمیانه تحت سلطه کشاورزان خرده‌پا است و خریداران از چندین مکانیسم قرارداد از جمله قراردادهای آتی برای خرید گندم از تولیدکنندگان استفاده می‌کنند. تولیدکنندگان اغلب برای ادامه تولید گندم به یارانه‌های دولتی مانند وام‌های کم بهره و صندوق‌های جبران نقصان محصول وابسته هستند. گندم مراحل مختلف فرآوری مانند بوجاری، دانه بندی، آسیاب و تولید صنعتی را طی می‌کند. مرحله اول فرآوری، جمع‌آوری، تمیز کردن، آزمایش، درجه بندی و ذخیره سازی گندم است که در بار اندازه‌های کشور مبدا انجام می‌شود. بار اندازه‌ها عملکرد لجستیکی دارند و اولین پیوندی هستند که تولیدکنندگان را به خریداران متصل می‌کند. هلدینگ‌های بزرگ کشاورزی و شرکت‌های تجاری پیشرو مانند "آرچر دانیل میدلندز (ADM)"، بانگه، کارگیل و دریفوس" در این بخش از زنجیره و مالکیت دارایی‌های هدف، ذخیره‌سازی و جابجایی غلات (ترانشیپ، ترانزیت) فعال هستند. ذخایر گندم یک دارایی استراتژیک است و دولت‌ها این مرحله از زنجیره را در بسیاری از کشورهای واردکننده مانند مصر و عربستان سعودی برای تضمین امنیت غذایی کنترل می‌کند. بیشتر تأسیسات ذخیره سازی در کشورهای خاورمیانه قدیمی و پراکنده هستند که به آسیب و از بین رفتن غلات کمک می‌کند. کیفیت گندم در مرحله آسیاب مهم است و مصرف نهایی آن را تعیین می‌کند. گندم آسیاب شده شامل آرد، سبوس، گلوتن، کلش و نشاسته است که از نهاده‌های نان، محصولات پخته شده و

سایر محصولات می باشد. کشورهای صادرکننده گندم بازیگران اصلی آسیاب ها نیز هستند. به عنوان مثال، " ADM " مالک حدود سی و چهار کارخانه آرد در ایالات متحده و کارائیب است. برای سالها، شرکت ADM Milling تقریباً بزرگترین شرکت های زنجیره ای آسیاب آرد در ایالات متحده بود. آرد گندم آسیاب شده به خرده فروشان، نانوایی ها یا تولیدکنندگان مواد غذایی فروخته می شود که به نوبه خود آن را به عنوان آرد، نان یا محصولات مبتنی بر گندم به مصرف کنندگان خرده فروشی می کنند. سایر خریداران در زنجیره شامل عملیات خدمات غذا و مشتریان سازمانی هستند. گندم با کیفیت پایین وارد تولید غذای حیوانی می شود که تقاضای فزاینده ای برای آن وجود دارد. بازیگران اصلی در اکثر محصولات مبتنی بر گندم از جمله خوراک دام، تاجران چند ملیتی مانند کارگیل Cargill، ADM و تولیدکنندگان مواد غذایی مانند Kellogg's، نستله، دنون، General Mills هستند. زنجیره های خرده فروشی بزرگ و هایپرمارکت ها در اقتصادهای پیشرفته تسلط دارند. اما خرده فروشی در اقتصاد خاورمیانه ای بسیار متنوع است. انواع مختلفی از شرکت های بازرگانی در GVC گندم وجود دارد: آنهایی که در تولید منشا فعالیت دارند و تاجران بزرگ جهانی کالا که در تولید غلات فعال هستند و شبکه های لجستیکی خود را دارند. این شرکت های فراملیتی، غلات را خریداری، توزیع، تجارت، پردازش، صادرات، ذخیره، جابجایی و بازاریابی بین المللی میکنند. تجارت در کالاهای کشاورزی همچنین شامل مدیریت جریان «آب مجازی» از کشورهای تولیدکننده به واردکنندگان است. بزرگترین تاجران غلات که اغلب گروه " ABCD " نامیده می شوند، شرکت های: " آرچر دانیلز میدلند (ایالات متحده)، گروه بانج (ایالات متحده)، کارگیل (ایالات متحده آمریکا) و لوئیس دریفوس (فرانسه) هستند. از دیگر شرکت های برتر که اخیراً ظهور کرده اند، میتوان از " Glencore Xstrata " نام برد که در بخش انرژی و معدن فعالیت دارد و بزرگترین تاجر غلات چند ملیتی در روسیه است. شرکت های آسیایی مانند میتسوبیشی (ژاپن)؛ ماروبنی (ژاپن)؛ میتسویی (ژاپن)؛ اولام (سنگاپور)؛ و شرکت ملی غلات، روغن و مواد غذایی چین (COFCO) نیز بازیگران بزرگی در بازارهای محصولات کشاورزی هستند. این شرکت ها به شدت در حال سرمایه گذاری جهانی در مناطق تولید کننده عمده در آمریکای شمالی، اروپا، دریای سیاه و آفریقا هستند. از سال ۲۰۱۴، COFCO اعلام کرد که قصد دارد با سرمایه گذاری جهانی، ادغام عمودی و خرید Nidera و Noble با شرکت هایی مانند Cargill رقابت کند. و این کار تا تا ۲۰۲۱ ادامه داد. تاجران چند ملیتی بواسطه خرید سهام از شبکه ای از سیلوها، بنادر، کشتی ها و روابط کشاورزان برای خرید و فروش غلات به مشتریان مختلف

از گروه های غذایی مانند Kellogg تا هیئت خرید دولتی گندم مصر استفاده می کنند. گندم در چندین بازار عمده آتی معامله می شود، از جمله بورس شیکاگوی ایالات متحده (CBOT) برای گندم نرم، بورس شهر کانزاس (KCBT) برای گندم سخت، و بورس غلات پاریس (Marché à Terme International de France ATIF) کشف قیمت به طور کلی در جریان مبادلات غلات اتفاق می افتد. تغییرات قیمت بین مبادلات غلات و قیمت واردات به دلیل عواملی مانند هزینه حمل و نقل، کیفیت و تنوع غلات و تعرفه ها و ریسک های سیاسی رخ می دهد. بیشتر معاملات عمده غلات بر اساس قراردادهایی است که توسط انجمن تجارت غلات و خوراک (GAFTA) در لندن ایجاد شده است، انجمنی که توسط تاجران غلات، دلالان و بروکرها ی بوری با همکاری هفتاد و شش کشور در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد. دولت های خاورمیانه و شمال آفریقا معمولاً گندم را از طریق مناقصه های بین المللی تهیه می کنند. آژانسهای دولتی واردکننده، اعلامیه های مبنی بر قصد مناقصه صادر می کنند و از بازرگانان معتبر دعوت می کنند تا مناقصه بدهند و قیمت های خود را بر اساس مجموعه استانداردی از پارامترهای تدارکات که شامل حجم، کیفیت و تاریخ تحویل است، ارائه کنند. معمولاً مناقصه ها یک یا دو هفته قبل از تاریخ اختتامیه اعلام می شود و مناقصه گران تقریباً بیست و چهار ساعت برای پاسخگویی و معمولاً سی تا شصت روز فرصت دارند تا گندم را تحویل دهند. مکانیسم های تامین مالی، از جمله اوراق قرضه از تامین کنندگان و اعتبار اسنادی از خریداران، برای اجرای قرارداد بسیار مهم هستند. از اوایل دهه ۲۰۰۰، مفاهیم زنجیره های ارزش جهانی (GVC) به عنوان راهی برای تجزیه و تحلیل گسترش بین المللی و تقسیم بندی جغرافیایی زنجیره های تامین معاصر محبوبیت یافتند در این یادداشت چارچوب ساده ای در بخش تولید گندم معرفی شد تا بتوان بازیگران، فعالیت ها، سیاست ها، تحولات در شبکه های جهانی و محلی گندم و تأثیرات آنها بر نتایج امنیت غذایی با ترسیم جغرافیای بازیگران، عرضه، تقاضا، مصرف و تحقیقات در صنعت گندم، نقاط اهرمی و ساختارهای حاکمیتی را که بر نتایج امنیت غذایی تأثیر می گذارد، شناسایی کرد.